

دشمن در کمین انقلاب توده هاست، متحد شویم!



تداوم فوران بزرگترین سیل خشم مبارزاتی توده ای که از زمان وقوع جنبش دی ماه ۱۳۹۶ در چهار گوشه ایران جاری شده، نشان می دهد که جامعه تحت سلطه و خفقان زده ما به یک دوره جدید مبارزاتی پا گذارده ست. خیزش گرسنگان برای محو شرایط فاجعه بار حاکم بر زندگی شان که ناشی از قریب به چهل سال ظلم و بیداد و ستم و استثمار حکومت سرمایه داران ایران و اربابان جهانی شان می باشد، نشان می دهد که اکثریت آحاد جامعه دیگر نمی خواهند مثل سابق در شرایط بردگی و اسارت زندگی کنند و صدای شکستن استخوانهای پوسیده نظام ظالمانه حاکم نیز در هر کوی و برزن به گوش می رسد. دوران جدیدی فرا رسیده است؛ دوران انقلاب!

ماه هاست که ارتشی از توده های محروم و به جان آمده و پامال شده، که کارگران گرسنه و جوانان بیکار به مثابه ارتش ذخیره کار، مرکز ثقل آن را تشکیل می دهند، در چهار گوشه کشور به میدان آمده اند و علیه انبوه فزاینده فقر و گرسنگی، علیه استثمار و بردگی و گور خوابی، علیه گرانی و تورم و دزدی و فساد و فحشاء، علیه زن ستیزی و سرکوب مذهبی و ملی و در یک کلام علیه شرایط فاجعه بار ناشی از چهار دهه سلطه بلامنازع دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در ایران شوریده اند. ارتش گرسنگان و محرومین، در طول این مدت در زیر حکومت سرنیزه، هر جا که فرصت کرده اند مطالبات خود که در راسشان "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر اصل ولایت فقیه" قرار دارد را با صدایی رسا اعلام کرده و درفش "نان، کار و آزادی" را به عنوان نشان نظام دمکراتیکی که برای خود و فرزندانشان می خواهند، به اهتزاز درآورده اند. این جنبش به رغم خودبخودی بودنش و به رغم فقدان یک رهبری متشکل انقلابی در راس آن نشان داده که چه پتانسیل عظیم مبارزاتی ای برای نابودی نظام استثمارگرانه حاکم بر ایران در خون به جوش آمده گرسنگان و هیچ بودگان جامعه تحت سلطه ما جاری ست. این جنبش بزرگ همچنین با شعار "انقلاب، جشن توده هاست"، "زنده باد انقلاب گرسنگان" و "وای به روزی که مسلح شویم" نشان داده که توده های بپاخاسته مدتهاست از سیطره اسارت بار تمام جناح های جنایتکاران حاکم نظیر اصلاح طلبان حکومتی و غیر حکومتی خارج شده، و با اعمال قهر انقلابی و نمایش خشم طبقاتی مقدس خویش، طومار "افسانه اصلاحات" به عنوان یک آلترناتیو بورژوازی وابسته به امپریالیسم را در زیر گامهای استوار خود و در قالب آتش زدن هر آنچه که نشانی از نظام حاکم دارد، در هم پیچیده است. این خیزش همچنین کوس رسوایی تمام نیروهای سازشکار و راستی را هم که به نام توده ها ولی در خدمت به دشمنان توده ها می کوشند، جنبش آنها را به هرز برده و آن را به بیراهه انتخاب بین "بد" و "بدتر" سوق داده و انرژی مبارزاتی استثمار شونده را در بازار مکاره دعوای بین بالایی ها مستحیل سازند، نیز در همه جا به صدا درآورده است.

اکنون دیگر کدام نیروی مرتجعی از جبهه امپریالیستها و مزدورانشان را می توان یافت که در این اوضاع بحرانی با دیدن شبخ یک انقلاب بنیان برافکن و استثمار ستیز بر فراز ایران از احتمال وقوع یک طوفان بزرگ دم نزنند و خود را "دوست" و "حامی" مردم ایران نخواند؟ کدام نیروی راست و سازشکاری را می توان دید که در مقابل عزم انقلابی توده ها و دراز شدن دست محرومین برای مصادره سلاح و مسلح شدن، جرات آن را داشته باشد تا همچنان از "انقلاب مصلحانه" و "مسالمت" دم زده و در خدمتگزاری به دژخیمان حاکم در باب تزه های کهنه و غیر انقلابی ای نظیر "مقاومت مدنی" و "تظاهرات سکوت" همچنان روده درازی کند؟

در چنین شرایطی ست که تکاپوی بی سابقه ای برای مقابله با این سیل و برای حفظ نظام با و یا بدون رژیم جلال جمهوری اسلامی در اردوگاه تمامی دشمنان رنگارنگ توده ها و در راس آنها امپریالیستها و مرتجعین رنگارنگ به راه افتاده است.

تمامی شواهد جاری در جامعه ما، دال بر ترس و وحشت امپریالیستها و وابستگانشان از چشم انداز پیشروی خیزش گرسنگان بوده و در همان حال نشاندهنده کوشش این کمپ برای حل بحران با اتکاء به راه حل هایی ست که حتی در صورت هر گونه تغییری، با به کارگیری آنان بتوان اساس نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم در ایران را حفظ نمود. در نتیجه امپریالیستها و مزدورانشان درست مثل زمان شاه در سالهای ۵۶-۵۷ برای عقیم کردن انقلاب از راه آترناتیو سازی به تکاپو افتاده اند. جنگ تبلیغاتی برای تبلیغ سلطنت پهلوی دژخیم و بازار گرمی برای سیاست "رژیم پنج" به دست امپریالیسم، فراندوم، تلاش برای ایجاد وحشت از حمله نظامی، کودتا، جنگ داخلی، سخن پراکنی در باب ضرورت استعفای دولت و انتخابات در چارچوب نظام و ... همگی نشانه های متفاوتی از پیشبرد این سیاست در چند جبهه هستند. در چنین شرایطی ست که وفاداری به آرمانهای توده های به پاخاسته و دفاع از منافع آنان ایجاب می کند که نیروهای مبارز و انقلابی با اتکاء به تجربه انقلاب سالهای ۵۶-۵۷ با هر آنچه که در توان دارند به افشای پیگیرانه سیاست امپریالیستها و دشمنان انقلاب مردم بپردازند و در مبارزه برای پیشبرد سیاستهای زیر هر چه متحدانه تر عمل کنند:

۱- همانطور که در قیام های توده ای جاری ، بار دیگر مردم به پا خاسته تاکید کرده اند، سرنگونی رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی بی هیچ قید و شرطی، اولین گام رسیدن به رهایی و آزادی مردم ایران از شر شرایط فاجعه بار اقتصادی - سیاسی ای ست که حاکمیت ستمگرانه سرمایه داران داخلی و خارجی برای آنها آفریده است. اما از آنجا که جمهوری اسلامی نه حاصل انقلاب سالهای ۵۶-۵۷ بلکه معلول سیاست امپریالیسم در ایران بود که با حفظ ارتش و قرار دادن آن در اختیار خمینی باعث روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی شد، لذا توده های به پاخاسته ما اگر سرنگونی جمهوری اسلامی را با تداوم مبارزه برای نابودی ماشین دولتی به خصوص در هم شکستن ارگانهای نظامی حکومت سرمایه داران گره زنند، بار دیگر در چنگال یک رژیم وابسته جدید گرفتار خواهند آمد که هر فرق ظاهری ای با جمهوری اسلامی داشته باشد، در خدمت به اربابان جهانی همان راه اعمال جنایت و ظلم حکومت سردمداران جمهوری اسلامی را خواهد پیمود. تجربه سرنگونی رژیم شاه و نیمه کاره ماندن انقلاب سالهای ۵۶-۵۷ درست به همین دلیل یعنی عدم نابودی ارتش و زواید آن اتفاق افتاد و باعث شد تا حاکمین جدید با اتکاء و باز سازی همان ارتش و افزودن ضمایم جدید نظیر سپاه و بسیج به آن، انقلاب توده ها را به شکست بکشانند. برای پیروزی انقلاب باید نیروی سرکوب دشمنان انقلاب را در هم شکست. این تنها راه موثر برای در هم شکستن استبداد حاکم و تضمین برقراری یک شرایط دمکراتیک و آزاد در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی در کشور ماست.

۲- تمام تجارب تاریخی خود مردم ما و همچنین تجارب زنده در افغانستان و عراق و سوریه و لیبی نشان می دهند که نیل به آزادی و برابری، تنها با اتکاء به قدرت و تشکل مستقل خود توده های مسلح امکانپذیر است. آزادی مردم ایران با دخالت امپریالیسم و با سرنیزه سرباز آمریکایی به دست نخواهد آمد.

۳- پروژه "رژیم پنج" توسط دولت آمریکا و نیروهای پرو آمریکایی ، تحت هر شکل و با هر بهانه و توجیهی، یک سیاست ضد مردمی ست که حتی اگر از سطح تبلیغ به عمل فراروید، نتایج فاجعه بار آن برای کارگران و توده های ستمدیده جز تداوم و تشدید سیطره هیولای فقر و گرسنگی و استثمار و سرکوب بر

زندگی شان نخواهد بود. پروژه " رژیم چنج" و فعالیت های نیروهای پیرو این سیاست باید شدیداً محکوم و علیه آن مبارزه شود.

۴- دشمنان مردم به پا خاسته ما با پشتیبانی حجم عظیمی از تبلیغات گمراه کننده می کوشند که این گونه جلوه دهند که مردم ما برای برون رفت از بحران جاری، تنها دو گزینه در اختیار دارند؛ یا حمایت از اصلاح طلبان حاکم که در دشمنی شان با مردم ما شکی نیست و یا تن دادن به سیاستهای امپریالیستها و در راس آنها دولت آمریکا. اما این که تنها دو گزینه مذکور در جلوی پای مردم ما وجود دارند ، حقیقت ندارد. مردم ایران همانطور که در جنبش اخیر نشان داده اند ، عزم کرده اند که تنها با اتکاء به توان خود سرانجام رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی و سلطه همه حامیان بین المللی آن را به زیر کشیده و در یک ایران آزاد و دموکراتیک سرنوشت خویش را، خود به دست بگیرند.

۵- در حمایت از این خواست قلبی اکثریت مطلق کارگران و زحمتکشان و زنان و جوانان و خلقهای تحت ستم و پیروان مذاهب مختلف، باید با شعار "نه به دخالت خارجی و نه به جنگ"، "زنده باد انقلاب مردمی و قهر آمیز علیه تمامیت رژیم جمهوری اسلامی" برای "نان، کار، مسکن ، آزادی و استقلال" به دفاع از توده های به پا خاسته و مبارزات متحدانه آنها پرداخت و با تمام توان برای دستیابی به این اهداف تلاش و مبارزه کرد.

پر توان باد مبارزات کارگران و توده های تحت ستم علیه جمهوری اسلامی!

نابود باد رژیم جمهوری اسلامی و تمام جناح هایش!

پیروز باد انقلاب! زنده باد کمونیسم!

چریکهای فدائی خلق ایران

۱۱ مرداد ۱۳۹۷ - ۲ آگوست ۲۰۱۸